

## ● به جای سر مقاله

### حدیث؛ مناره ای به بلندای عرش

هدف از آفرینش انسان و هدایت الهی وی - اعم از تکوینی و تشریحی - رساندن انسان به کمال لایق خویش - عبودیت<sup>۱</sup> - است و آنچه ما یکایک انجام خواهیم داد، وقتی می‌تواند به نتیجه حقیقی برسد که در راستای همین هدف، جهت گرفته باشد.

پس اگر در مسیر عشق و تکلیف گام بر می‌داریم، این سیر نباید با این هدف اساسی منافاتی داشته باشد.

آنچه از عشق دست یافتنی است، از رضا و تهذیب ظاهر و باطن و طیّ طریق وصل، جز با عبادت و تفکر حاصل نمی‌شود.

و اما تکلیف. تکلیف انسان در دنیا، تأثر از عالم بالا - اگرچه با وسائط دنیا - و تأثیر بر جهان پیرامون است. تأثیر و تأثیری که هدف و کمال نهایی را نتیجه دهد؛ که اگر نیت الهی آن حفظ شود، همان عبادت است و نقطه اشتراک اجتماع عشق و تکلیف، در طیّ طریق.

---

۱- عبودیت مرحله ای است برتر از عبادت که در آن انسان علاوه بر ادای وظایفی که مورد رضای خداوند است، مقدرات ربوبی را نیز با خشنودی می‌پذیرد؛ همان مقام نفس مطمئنه‌ی راضیه‌ی مرضیه‌ای که در جنت الهی و در کنار عباد خاص او سکنی می‌گزیند.

این کمال نهایی را به گواهی عقل سلیم، تنها در مسیر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و در خاندان پاک نبوت می‌توان یافت. از این رو اگر تکلیف انسان به هر یک از امور زندگی دنیوی تعلق یابد، بازهم باید پله‌ای در جهت این صراط روشن باشد. چنانکه ائمه اطهار علیهم السلام نیز در همین جهت ادای تکلیف کرده‌اند.

\*\*\*

نوع نگرش ما به عملکرد معصومان علیهم السلام نگاهی است به اعمال، اقوال و موضعگیری‌های حکیمانه یک انسان کامل که در موقعیت‌ها و شرایط گوناگون زندگی، در جهت ادای کامل تکلیف الهی صورت می‌گیرد.

این ادای تکلیف که برای ائمه اطهار (ع) در مقام ایفای نقش هدایت و تأثیرگذاری تبشیری یا تنذیری بر بشریت است، به سبب عزت و حرمت والایی که نزد اذهان بشر داشته‌اند، محقق گردیده است.

... گاهی با سکوت بیست و پنج ساله، گاه با نوشیدن جام زهرِ صلح با ظالم، گاه با جهاد استشهدی، گاه با عبادت زاهدانه، گاه با تعلیم و اندیشه پروری، گاه با تحمل اسارت، گاه با پذیرش ولایتعهدی خصم، گاه با محدودیت و پرده نشینی، گاه با غیبت هزار ساله ... ؛ که آثار آن در جامه احادیث و روایات فراوان به ما ارزانی شده است.

\*\*\*

اکنون ما مانده‌ایم و احیای این میراث جاودان حقیقت؛ امر اهل بیت علیهم السلام همراه با عزت و سربلندی؛ همان قیدی که از انسان، هادی موثر می‌سازد.

وقتی پذیرفتیم که علوم و معارف بشری حجیت و حقایقیت خویش را در پرتو قرآن و حدیث و عقل و شهود کسب می‌کند و هنگامی که به وابستگی انکار ناپذیر این چهار ملاک اساسی به

یکدیگر واقف باشیم، ضرورت وجود حدیثِ باورزا و مقدّس و نیاز ما به کار جدی در حوزه‌ی حدیث و علوم آن، بیش از پیش آشکار می‌گردد.

اما سوال اینجاست که محدثان و علمای حدیث شناس و حدیث پژوه اسلامی، تا چه حد در اتصال وجود انسان‌ها، و اندیشه و حیات و معاش ایشان به این منابع قدسی و این سرچشمه‌های بی‌بدیل باور و معنا، موفق بوده‌اند و آیا حقیقتاً سازمان معارف دینی امروز ما، توان نجات انسان متجدد غرقه در بی‌باوری ماشینی و مقابله با حملات پی در پی فلاسفه‌ی غرب را دارد؟

\*\*\*

از این رو، آنچه در عصر حاضر ضرورتی انکار ناپذیر تلقی می‌شود، نیاز جدی جامعه‌ی منتظر جهانی به نظریه پردازانی است که بتوانند با نگرشی استکمالی، نظام فکری نوینی را برای اداره جامعه تدوین کنند؛ نظامی که تئوری‌های نظری حاکم بر ساختارهای سیاسی و مدیریتی آن، برگرفته از روح قدسی جاری در اندیشه نورانی اهل بیت "علیهم السلام" باشد.

اینجاست که می‌توان به احادیث زلال معصومان "علیهم السلام" به عنوان یکی از پایه‌های اساسی در حکومت انتظار نگریست ...

زکيه اسدی\*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہباز گل شاہین  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي او مطالعاتي رسالې  
پرتال جامع علوم انساني

● مقالات



پروفیسر شہناز گل شاہین پور  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ